

# اجرای گروهی<sup>۱</sup>

## مشارکت خلاق با استفاده

## از ماسک و عروسک و تئاتر

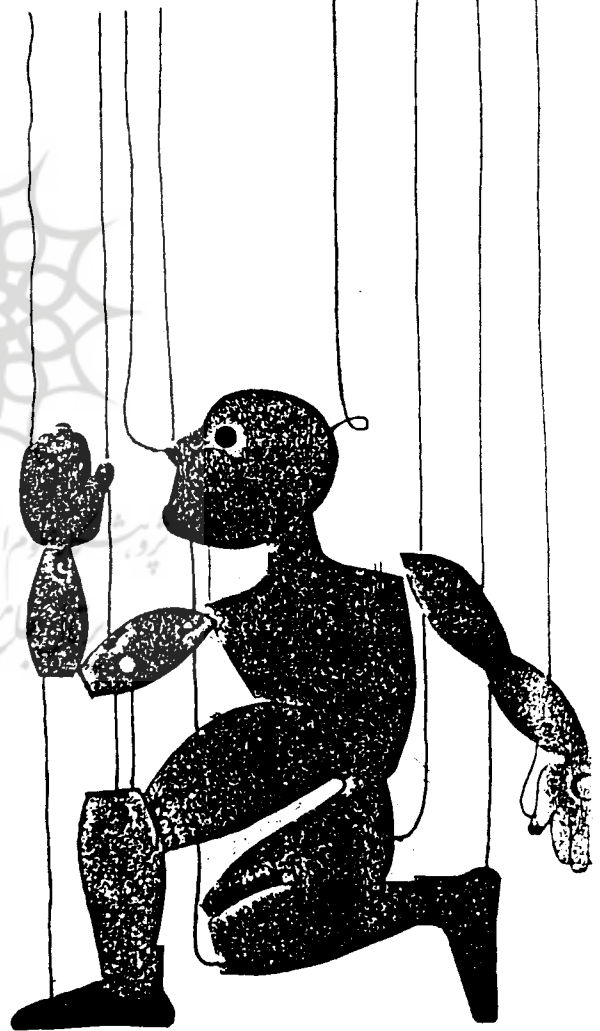
و نیدولش<sup>۲</sup>

ترجمه صمد چینی فروشان

هرکس که تجربه تئاتری داشته باشد اذعان خواهد داشت که تئاتر، هیچ نیست مگر تجربه‌ای گروهی (جمعی) عمل آفرینش تئاتری، متضمن همکاری گروهی از افراد است تا در نهایت مطلبی (چیزی) به مخاطب (به کسی) انتقال داده شود.

تئاتر نمی‌تواند از خویش و برای خویش زندگی کند. تنها هنگامی کامل است که در برابر تماشاگر اجرا شود. از این نقطه نظر، تئاتر را می‌توان به مثابه مینیاتور یا نمونه کوچک شده خود زندگی تلقی کرد. یک هنرمند تئاتر همان هیجانانگیز و احساساتی را تجربه می‌کند که ما در زندگی واقعی، تحت تأثیر امواج متلاطم حوادث، بحران‌ها و موفقیت‌ها، احساس و تجربه می‌کنیم. عوامل و کارگزاران این وقایع، در بطن تمامی پیوندها و مناسباتی حضور دارند که ما دائماً در سرتاسر دوران حیات مان ایجاد کرده، حفظ می‌کنیم و یا می‌گسلیم. گرچه مناسبات متقابل شخصیت‌های یک نمایش ممکن است (در نگاه اول) ساختگی و از پیش تعیین شده به نظر آید، اما این امر، نبایستی موجب شود تا در قیاس با مناسبات زندگی واقعی، اعتبار کم‌تری برای آن‌ها قایل شویم.

جاذبه تئاتر، ریشه در رغبت ما به مشاهده و تجربه راز و رمز چاره‌جویی و بقای انسان در شرایط غیرمعارف دارد. بازیگر نقش خود را در برابر تماشاگری ایفا می‌کند که مایل است وی (بازیگر) را در انجام مسئولیتی که بر عهده گرفته است موفق ببیند. لحظه به لحظه همراه شدن با اعمال بزرگ و خارق عادت بشری، رسیدن یا فراگذشتن از حد توان و ظرفیت فردی، به تماشاگر و نمایشگر - هر دو - امکان وحدت (یکی شدن) و تجلیل از لذات و شادکامی‌های زندگی را ارزانی می‌دارد. از این حیث، تئاتر، برای احراز موفقیت، به احساس مشارکت و همکاری جمعی نیازمند است. تلاش جمعی افرادی که برای دستیابی به هدف مشترک، کنار هم و به صورت مجموعه‌ای واحد گیرد



می‌آیند، لازمهٔ تئاتر است.

تصور کنید که یک چنین کشفی، چه تأثیری می‌تواند بر روابط و مناسبات افراد، در جامعه بزرگ‌تری که در آن زندگی می‌کنم، بگذارد.

### ماسک و نمایش عروسکی

ماسک‌ها و عروسک‌ها می‌توانند هر شیء بی‌جان باشند که به کمک قوه فاعلهٔ انسانی در برابر تماشاگران جان می‌گیرند. هر دوی آن‌ها، به خانواده (بزرگ) تئاتر جاندارنمایی تعلق دارند که قرن‌ها، در فرهنگ‌های گوناگون حضور داشته است. عمل نمایشی (دراماتیک) ماسک و نمایش عروسکی، بی‌شبهت به انواع دیگر اشکال هنر نمایشی نیست. اساس این عمل نمایشی (دراماتیک) بر ایجاد ارتباط میان نمایشگر و تماشاگر استوار است: بازیگر، نوازنده، رقصنده، خواننده یا عروسک‌گردان، چیزی را با تماشاگر به مشارکت می‌گذارند و او (تماشاگر) نیز به نوبه خود با پاسخ‌دادن به آن، تمایل نمایشگر به برقراری ارتباط را تقویت می‌نماید. این (موضوع) چرخه بی‌وقفه مبادله‌ای را موجب می‌گردد که تماشاگر و نمایشگر را به یکدیگر پیوند می‌دهد. موفقیت یک اجرا، بستگی (تام) به میزان تمایل نمایشگر و تماشاگر به پذیرش، حضور و مشارکت در این کنش متقابل دارد. نتیجهٔ این فرایند، یک تجربه مشترک انسانی در ابعاد مختلف: عقلانی، فیزیکی (جسمی)، روحی و عاطفی است.

در حالی که برخی از اشکال نمایشی «هنر» ممکن است این فرایند را از طریق رهیافت «ذهنی» تجربه کنند، ماسک و نمایش عروسکی، حضور «عینی» را جهت دستیابی به همان نتیجه (هدف) برمی‌گزینند. به‌عنوان مثال: بازیگری که ایفای نقشی را در یک نمایش بر عهده دارد، به نسبت هر عضو شرکت‌کننده در آن سوی صحنه – تماشاگر – واکنش‌های متفاوتی را، صرفاً به دلیل تفاوت نگاه انسان‌ها نسبت به یکدیگر، موجب می‌گردد. واکنش حسی افراد نسبت به شکل ظاهری، آهنگ

هنرها، از طریق فراهم‌نمودن امکان ابراز عقیده و تبادل افکار (برای فرد یا گروهی از افراد) به کمک وسایلی که خود مناسب تشخیص می‌دهند به تحقق این هدف خدمت می‌نمایند. لزوم تأمین چنین فرصتی جامعه را موظف می‌کند، انواع گوناگون «هنر» را در دسترس افراد قرار دهد. امکان اعتلا بخشی و اغنای زندگی از طریق فعالیت هنری، نه تنها موجبات رشد فردی را فراهم می‌کند، بلکه موجب حس اعتماد به نفس از طریق کسب موفقیت در انجام کاری سترگ می‌گردد که نتیجهٔ آن جامعه‌ای بهره‌مند از افراد فعال و مستعد خواهد بود.

تئاتر یک وسیله ارتباطی است که می‌تواند در خدمت خلق فضایی قرار گیرد که در آن پذیرش و مشارکت طبیعی افراد معلول در یک جامعه انضمامی<sup>۳</sup> امکان‌پذیر گردد.

طبیعت جمعی و اشتراکی تئاتر، خود را در خدمت رهیافت جمعی و گروهی بیان هنری قرار می‌دهد. Ensemble به معنای «با هم» است. روح Ensemble، بر حمایت غیرخودخواهانه از دیگران – کسانی که فرد با آن‌ها در هم‌آهنگی کار می‌کند – دلالت دارد. توان یک گروه، به توانایی افراد و اعضای آن وابسته است. هنگامی که گروهی از افراد معلول (با ناتوانی‌های فیزیکی متفاوت) را در یک محیط تئاتری، ادغام نمودم، متوجه شدم که خلق یک گروه Ensemble تئاتری، برای تمامی اعضا، نه فقط یک ضرورت که یک موهبت بوده است. تحت چنین شرایطی تلاش مشترک و استعداد‌های گروه، به گونه‌ای مطلوب نیازهای فرد و جمع را در یک فرایند تعادلی تأمین می‌نماید.

تئاتر گروهی<sup>۴</sup> در یک مجموعه انضمامی – متشکل از افرادی با ناتوانی‌های متفاوت – می‌تواند، به گونه‌ای مؤثر برای کمک به افزایش شهامت و جرأت ابراز عقیده و بنا بر آن، افزایش خودآگاهی مفید واقع شود. به‌علاوه،

صدا، شکل و نحوه استفاده بازیگر از بدنش و چگونگی بهره‌گیری او از همه این امکانات در ارایه شخصیت (نمایش) طبیعتاً، بسته به سلیقه و ذوق افراد، متفاوت خواهد بود. اما، یک ماسک یا یک عروسک، تنها یک ویژگی شخصیتی و یک مشخصه وجودی معین دارد. او به کشف و بازنمایی جوهره یک حس و یا خصالت اساسی یک شخصیت گرایش دارد. تماشاگر، فوراً شخصیت خوب را از شخصیت بد (شیطانی) تمیز می‌دهد. ماسک و نمایش عروسکی، بر اساس معیارهای ساده‌تر و کم‌بهرنج‌تری عمل می‌کنند، در نتیجه پذیرش قراردادهای تئاتری را (از سوی تماشاگر) ساده‌تر می‌کنند و همین ویژگی جذابیت و موفقیت نمایش عروسکی و نمایش با ماسک را در ارتباط با کودکان و بزرگسالان توجیه می‌کند.

هنر ماسک و نمایش عروسکی، ویژگی‌های هنر تئاتر را بازمی‌تاباند؛ اما بُعد دیگری هم به آن می‌افزاید. آگاهی از واقعیت بی‌جان بودن شی (ماسک و عروسک) چیزی بیش از بهره‌گیری از بدن و صدای یک فرد را برای برقراری ارتباط با تماشاگر الزامی می‌کند. نمایشگر برای زندگی بخشیدن به ماسک و عروسک، باید نوع خاصی از ارتباط را با آن‌ها برقرار کند. این رابطه، نباید با پنهان‌شدن در پس عروسک و ماسک و استفاده از آن‌ها به مثابه چوب زیر بغل و انتقال مسئولیت ارایه هر اندیشه یا عملی به خود شی مشتبه شود. مسئولیت کاربست تمامی ظرفیت‌های ماسک و عروسک بر عهده نمایشگر است. محدوده توانایی‌ها یا ظرفیت‌های حسی، بیانی و عملی (حرکتی) ماسک‌ها و عروسک‌ها کدام است؟ پاسخ به این پرسش به توانایی نمایشگر در عینیت‌بخشی به عواطف شخص وابسته است. تنها در صورتی ماسک و عروسک، زبان باز کرده و تماشاگر خود را محظوظ خواهند نمود؛ که رابطه میان نمایشگر و ماسک یا عروسک و عروسک‌گردان، زنده، فعال و در نتیجه نامحسوس و تفکیک‌ناپذیر باشد.

تئاتر عروسکی و نمایش با ماسک، می‌تواند به شکل‌گیری احساس گروهی<sup>۵</sup> در یک مجموعه انضمامی کمک کند. قدم اول آموختن نحوه برقراری ارتباط با یک شی بی‌جان است. برای افرادی که ناتوانی‌های رشدی ویژه‌ای دارند، انجام این کار احتمالاً به مراتب آسان‌تر از برقراری ارتباط با یک انسان دیگر است و در مورد افرادی که ناتوانی‌های فیزیکی جدی دارند، چنین تعاملی ممکن است فقط به کمک سایر اعضای گروه میسر گردد. در جریان بازی ضمن برقراری تفاهم میان فرد و عروسک یا فرد و ماسک، رابطه متقابل میان افراد گروه شروع به شکل‌گیری می‌نماید. کشف شخصیت ماسک و عروسک، افراد را به یافتن روش‌ها و راه‌های تخیلی کاربرد بدن و صدا ملزم می‌کند. این امر موجب رشد خودآگاهی و اعتماد به نفس شده و جسارت افراد را در ابراز عقیده و بیان عواطف، افزایش می‌دهد. در یک مجموعه انضمامی، شیوه‌های مشارکت، میان، مشاهده، کمک و عمل مستقیم، در نوسان است. با شکل‌گیری اعتماد میان افراد و حمایت آنان از یکدیگر زمینه رشد احساس گروهی فراهم می‌گردد؛ و این همه سرانجام می‌باید در خدمت مرحله نهایی یعنی اجرا قرار گیرد. پاداش چنین چالشی، برای هر یک از افراد گروه احساس موفقیت و غرور ناشی از آن خواهد بود. و سرانجام، کشف و شناخت سهمی که فرد در موفقیت به دست آمده داشته است، گروه را نسبت به ضرورت مشارکت و خلق یک جامعه (گروه) همبسته مصمم‌تر خواهد کرد.

### کارگاه‌ها

آنچه می‌آید، تمرین‌هایی است که انجام آن‌ها برای گرم‌کردن بدن و صدای افراد، به منظور کسب آمادگی در انجام کار خلاقه، پیشنهاد می‌گردد. «گرم‌شدن»<sup>۶</sup> بایستی فعالیتی جمعی باشد و به‌عنوان ضرورتی برای شکل‌گیری «احساس گروهی»<sup>۷</sup> از همان آغاز، اعمال شود. در یک مجموعه انضمامی، هرگونه فعالیت

کارگاهی، ممکن است گماردن برخی از افراد را برای یاری‌دهی به اعضای ناتوان‌تر الزامی کند. در چنین مواردی، هدف از تمرین‌ها، بررسی و کشف روش‌هایی است که از طریق آن بتوانند در سامان‌دهی مشترک وظیفه محوله، به یکدیگر کمک کنند.

## صدا

هنگام گرم‌کردن صدا، تمرین‌هایی را به کار ببندید که ذهن و بدون را به یک نسبت تحریک کند. برای مقصود ما در تئاتر و مشخصاً در نمایش با ماسک و عروسک، تمرکز اصلی باید بر روی تقویت تنفس و رسایی صدا با استفاده از اندام‌های مختلف تقویت‌کننده و تبیین افکار و احساسات به کمک اعضا و اندام‌های مختلف (بیان عضوی) باشد. صدا درون بدن ما جای دارد و زمانی آن را رها می‌کنیم که نیاز به بیان عواطف و احساسات را در خود احساس می‌کنیم. تقویت تنفس از طریق دستیابی به نوعی شناخت حسی در باره بدن میسر می‌گردد، مثلاً به‌طور ذهنی و به‌لحاظ آرمانی بتوان تصور کرد که وظیفه استخوان‌بندی، حفاظت از بدن در برابر نیروی جاذبه و برداشتن بار این مسئولیت از ماهیچه‌هاست تا امکان حرکت آزادانه آن‌ها فراهم گردد. وقتی این آگاهی میسر شد، اندام‌ها و عضلات تنفسی با آزادی عمل بیش‌تری واکنش نشان داده و نقش مؤثرتری در تقویت صدا ایفا خواهند نمود. سعی کنید مهره‌های ستون فقرات خود را به بالا و پایین بغلطانید. سر و شانه‌ها و دست‌ها را بچرخانید، آرنج‌ها و مچ‌ها را بالا برده رها کنید و در حین انجام این کارها، بیش از پیش جریان آزادانه تنفس در بدن را زیر نظر بگیرید.

اجازه دهید افرادی که توانایی جسمی محدودتری دارند، در محدوده حرکتی خود کار کنند و اگر به کمک نیازمند باشند، یک یا دو نفر از افراد (سالم) گروه را تشویق کنید، با حرکت دادن آرام سر، شانه‌ها، دست‌ها و مچ‌های آن‌ها، به ایشان در انجام این کار یاری رسانند.

این شیوه و این روش همکاری، تنها با جلب رضایت افراد و فقط در صورت عدم وجود خطر آسیب‌رسانی به شرایط فیزیکی آن‌ها، باید اعمال شود. در این موارد، از تمرین مربوط به بالا و پایین‌کشاندن ستون فقرات صرف‌نظر کنید. به روش دیگری هم می‌توان به نتیجه مشابه دست یافت: مهارکردن سر و چانه فرد توسط یک نفر در حالی که نفر دیگر بازوهای او را نگهداشته است. در این وضعیت، به آرامی سر و دست‌ها را بالا ببرید، به‌طوری که ستون فقرات کشیده شده و ماهیچه‌های اطراف آن رها گردد. توجه افراد را به آزادی عمل عضلات تنفسی‌شان در این وضعیت، معطوف نمایید. زمزمه کردن موجب بیدارشدن تدریجی تقویت‌کننده‌های صدا، در بدن، و سر می‌گردد. در حالی که لرزش‌ها و ارتعاشات صدا را بین دو لب متمرکز می‌کنید. «غژ و غژ»، «وز و وز»، نجوا و طنین صدا را در قسمت‌های مختلف بدن احساس کنید؛ سپس دهان را باز کرده، صدا را رها کنید. می‌توانید از تصاویر ذهنی روشنی که باعث تحریک و انگیزش ذهن می‌گردد. نظیر: حیوانات، حشرات، وسایل نقلیه، اصوات صنعتی و... استفاده کرده، صدا و بدن را هم‌زمان در بازی شرکت دهید. کُنش متقابل میان افراد را در خلال این تمرین‌ها تشویق نمایید.

بهره‌گیری هم‌آهنگ از تمامی اندام‌های صوتی، بیان روشن و واضح را تضمین می‌کند؛ اما بیان روشن، بی‌حضور اندیشه، در پس آن، تماشاگر را تحت تأثیر قرار نخواهد داد. این نکته در مورد ماسک و نمایش عروسکی از اهمیت مضاعف برخوردار است؛ جایی که، جانبخشی به ماسک و عروسک، در گرو به‌کارگیری هم‌آهنگ همه اندام‌های صوتی است.

بسرقراری یک ارتباط مؤثر، از طریق ماسک و عروسک مستلزم رفتار و گفتار موجز و دقیق است. ایجاد و گسترش احساس ریتم می‌تواند به تحقق این امر کمک کند. آوازخواندن، ترجیحاً، همراه با حرکت و

رقص، باعث گرم تر شدن محیط و موجد وحدت گروه می‌گردد. در این جا برای پیشگیری از اغتشاش، درهم ریختگی و شلوغی محیط، و به منظور جلب مشارکت افرادی که ناتوانی‌های فیزیکی و یا ناتوانی‌های بصری دارند، می‌توان گروه را به دسته‌های کوچک دو، سه، یا چهار نفری تقسیم کرد. خواندن در حلقه‌ای به دور هم موجب گرم شدن مطلوب (ایده‌آل) گروه انضمامی و کاهش دلهره آن دسته افراد می‌شود که ناتوانی رشد یافته‌ای دارند و نیازمند تشویق بیش‌تری هستند.

### بدن

هرگونه فعالیت فیزیکی (جسمی) می‌باید با کشش‌های نرم، ملایم و تدریجی آغاز شود. عمل جانبخشی به ماسک یا عروسک، برای اولین بار، ممکن است چنان دردی در عضلات ایجاد کند که حتی تصور آن هم برای فرد مشکل باشد. توجه خاصی به گردن، شانه‌ها، دست‌ها، مچ‌ها، بازوها، انگشتان، کمر، سُرین و ساق پا مبذول دارید. باز هم به افراد نیازمند، در محدوده توان حرکتی آن‌ها، یاری نمایید.

بازی میدانی زیر، نوع غیرمستقیم «گرم کردن» همه‌جانبه بازیگر است. این تمرین، مهارت‌های شنیدن و به‌خاطر سپردن را افزایش می‌دهد، بدن را نسبت به تغییرات محیط حساس می‌کند، باعث تقویت تمرکز و هم‌آهنگی چشم‌ها و دست‌ها شده و استقامت بدن را بالا می‌برد. به‌علاوه، سرگرم‌کننده نیز هست.

### بازی وسطی<sup>۸</sup>

وسيله مورد نیاز برای این تمرین، یک توپ نرم به قطر تقریبی ۱۰ سانتی متر است. افراد گروه در حالی که حلقه‌ای تشکیل داده‌اند، شماره‌هایی (از یک شروع می‌شود) انتخاب می‌کنند. در این بازی، شماره‌های انتخاب شده، شماره افراد بوده و آن‌ها می‌باید علاوه بر

شماره خود، شماره افراد دیگر را نیز به‌خاطر بسپارند. اگر از این بازی در یک جلسه آشناسازی افراد گروه استفاده می‌کنید، در صورت تمایل، می‌توانید نام افراد را جانشین شماره‌ها کنید... در آغاز، یکی از افراد در میانه حلقه می‌ایستد؛ توپ را مستقیم به هوا پرتاب کرده و شماره‌ای (غیر از شماره خود) را اعلام می‌کند. فردی که شماره او اعلام شده، باید توپ را (پیش از سقوط بر زمین) بگیرد. اگر موفق به گرفتن توپ شد باید آن را به هوا پرتاب کند و شماره جدیدی (غیر از شماره خود) را اعلام نماید. در صورتی که موفق به گرفتن توپ نشود، قبل از هر کاری باید توپ را به دست آورده، بی‌درنگ اعلام ایست (سکون)<sup>۹</sup> کند. اما در این فاصله - تا پیش از اعلام ایست (سکون) - دیگر افراد گروه می‌باید حول محیط تعیین شده حلقه، بدون و به محض اعلام شدن «ایست» (سکون)، در هر حالت و موقعیتی که هستند از حرکت بازایستاده و ثابت بمانند. حالا، «ایست» دهنده، توپ را به سوی یکی از افراد پرتاب خواهد کرد؛ توپ به هر کس اصابت کند، میان‌دار خواهد بود و باید بازی را از نقطه آغاز (میانه میدان) شروع کند؛ اگر توپ به کسی اصابت نکند، پرتاب‌کننده توپ، یعنی اعلام‌کننده «ایست»، خود «میان‌دار»<sup>۱۰</sup> خواهد بود. هر کس که سه نوبت میان‌دار شود از بازی اخراج می‌گردد. به‌علاوه، تکرار شماره خود و یا شماره کسانی که از بازی اخراج گشته‌اند موجب میان‌دار شدن شخص (اعلام‌کننده) خواهد شد.

بازی «وسطی» را می‌توان با شرایط یک گروه انضمامی منطبق کرد. افرادی را که ناتوانی بصری دارند، دست در دست افراد «بینا» در بازی شرکت دهید؛ به‌طوری که پرتاب و دریافت توپ را میان یکدیگر قسمت کنند. افرادی را که ناتوانی جسمی دارند با یک «هم‌بازی» همراه کنید تا در پرتاب و دریافت توپ و نیز، دویدن پیرامون محیط بازی، به آن‌ها کمک کنند. استفاده از ارتباط چشمی و صدا کردن نام (به‌جای شماره) برای

جلب مشارکت افرادی که ناتوانی جسمی و یا ناتوانی فراگیری پیشرفته دارند، می‌تواند مؤثر واقع شود. به این ترتیب نیروی محرکه گروه، شبکه‌ای از همکاری‌های حمایتی می‌گردد که طی آن هر کس سعی می‌کند، به افراد نیازمند، در جریان بازی، تا زمانی که به کمک احتیاج داشته باشند، یاری دهد.

اکنون نوبت به انجام کار خلاقه، از طریق پی‌ریزی مهارت‌های اجرایی می‌رسد. تمرین‌های زیر، نمایش عروسکی یا ماسک را با مضمونی که از طریق بداهه‌پردازی به دست آمده است به صورت دراماتیک (نمایشی) ترکیب می‌کند. هدایت‌کننده گروه، باید چند ماسک و عروسک، برای استفاده در تمرین‌های کارگاهی، در اختیار داشته باشد. در این مرحله از کار، استفاده از عروسک‌های خوش‌ساختی که بزرگ، رنگین و پُر از شخصیت باشند برای جذب و تشویق گروه ضرورت دارد.

### سفر به اعماق بدن

افراد گروه بر پشت روی زمین دراز می‌کشند. (افرادی که از صندلی چرخدار استفاده می‌کنند لازم نیست روی زمین دراز بکشند). آن‌ها را به بستن چشم‌ها و سُست کردن تمامی عضلات‌شان (به‌رغم شرایط) تشویق نمایید. ضمن انجام این کار، توجه آن‌ها را به ریتم تنفس و مسیر گردش آن در بدن جلب نمایید. سپس از آن‌ها بخواهید، هر یک، وسیله نقلیه‌ای را در نظر مجسم کند. این وسیله می‌تواند هر چیزی از گذشته، حال یا حتی زندگی تخیلی آن‌ها باشد. فرصت کافی برای کسب اطلاعات لازم در مورد وسیله نقلیه انتخابی‌شان به آن‌ها بدهید (سؤالانی دربارهٔ اندازه، سال، رنگ، تزیینات داخلی و خارجی و سرعت بکنید). حالا به اطلاع گروه برسانید که قرار است با استفاده از اتومبیل یا وسیله نقلیه موردنظر خود به اعماق بدن‌شان سفر کنید؛ از آن جایی که وسیله نقلیه آن‌ها، تنها به نیروی

تنفس حرکت خواهد کرد، برای ادامه سفر خود مجبور خواهند بود دائماً مراقب تنفس خود باشند. حالا از گروه بخواهید، سوار وسایل نقلیه خود شوند. سپس فرصت دهید تا به میل خود مسیر سفر را طی کنند و یا در طول مسیر هدایت‌شان کنید (برای این مرحله ۱۰ تا ۲۰ دقیقه زمان قابل شویید).

احتمالاً مجبور خواهید شد برای افرادی که ناتوانی‌های پیشرفته دارند، یک هم‌بازی یا همراه (یار) انتخاب کنید. این قبیل افراد را از خوابیدن - درازکشیدن - و بستن چشم‌ها معاف دارید. هم‌بازی این افراد می‌باید با سؤالات دایمی خود و تبادل اطلاعات دربارهٔ وسیله نقلیه و مسیر سفرشان آن‌ها را در طول تمرین، تشویق و به ادامه کار تهییج کنند. احتمالاً در جریان کار ممکن است، استفاده از ماشین‌های اسباب‌بازی و یا طراحی - نقاشی را ضروری تشخیص بدهید. وقتی همه افراد گروه سفرشان را به‌انجام رساندند؛ از داوطلبین بخواهید، تجربه خویش را با دیگران در میان بگذارند. آن‌ها می‌باید این کار را به صورت نمایشی و با استفاده از ماسک یا عروسک، انجام دهند. که معنای آن بازسازی و نقل ماجرا و درگیرکردن گروه در یک تجربه داستان‌سرایی با استفاده ماسک و عروسک خواهد بود. بیش از هر چیز به نحوهٔ شکل‌گیری، گسترش و تعمیق رابطه میان بازیگر و ماسک یا عروسک‌گردان و عروسک توجه کنید. وقتی این رابطه متبلور شد، به تدریج گُش و واکنش میان شخص ماسک یا عروسک و سایر افراد گروه را تشویق نمایید. در این مرحله، نباید گفتار تنها شکل برقراری ارتباط تلقی شود. اشکال دیگر، نظیر خواندن، مایم و رقص نیز می‌تواند در ایجاد ارتباط توسط ماسک و یا عروسک مؤثر واقع شود. فراموش نکنید، در یک گروه انضمامی، همیشه باید افرادی وجود داشته باشند که به اشخاص ناتوان در جاندارنمایی عروسک کمک کنند و یا در صورت لزوم با سهیم‌شدن در تجربه سفر آن‌ها، در بازنمایی و انتقال آن به گروه

بازی نمایند. این کار بایستی به روش دراماتیک (نمایشی) و به منظور همکاری و مشارکت خلاقانه در روند نقل داستان صورت گیرد.

## نقاشی با چشم بسته ۱۲

مرحله اول:

لوازم مورد نیاز: نوار ابریشمی برای بستن چشم (چشم‌بند ابریشمی)، کاغذ روزنامه در قطع بزرگ، ذغال و حوله مرطوب. کار را با درازکشیدن افراد گروه بر روی زمین یا روی میز (در وضعیت مناسب و راحت) شروع کنید. از تک‌تک افراد بخواهید چشم‌بندها را در سر خود، به نحوی که چشمان‌شان را کاملاً بپوشاند، محکم کنند. در مورد افرادی که آمادگی پذیرش (این کار را) ندارند، در خصوص «چشم‌بند»، اصرار نکنید. آن‌ها می‌توانند پلک‌های‌شان را روی هم بگذارند و یا به نقطه‌ای غیر از کاغذ روزنامه (که در مقابل‌شان قرار خواهد گرفت) متمرکز شوند. سپس به هر یک از افراد، یک برگ کاغذ روزنامه و یک قطعه ذغال بدهید و بعد، کلمه‌ای را به گروه پیشنهاد کنید که آن‌ها را به کشیدن احساس، خاطره، اندیشه یا تصویری که به ذهن‌شان متبادر می‌نماید، برانگیزاند. تأکید را بر کلمات تجربیدی (انتزاعی)، نظیر عشق، خشم، غم یا موسیقی بگذارید؛ کلماتی که به داشتن تصویر ذهنی معین گرایش ندارند. به محض این‌که موفق به دیدن تصویری، در چشم ذهن‌شان شدند؛ باید اولین تصویر را بی‌هیچ گزینشی، روی کاغذ بیاورند. وقتی کشیدن تصاویر به پایان رسید، از آن‌ها بخواهید چشم‌بندها را باز کنند و تصاویرشان را به یکدیگر نشان بدهند. هر بار پیش از تکرار تمرین، حوله‌های مرطوب را در اختیارشان قرار دهید تا سیاهی ذغال را از انگشتان و دست و صورت‌شان پاک کنند.

افرادی که از محدودیت حرکتی ناحیه فوقانی بدن رنج می‌برند به یک هم‌بازی نیازمند خواهند بود تا کاغذ

را برایشان نگه‌دارد، دست یا بازوی‌شان را به هنگام کشیدن تصویر هدایت کند و یا حتی در صورت لزوم به عوض آن‌ها نقاشی کنند. در مورد انتخاب اخیر، از فرد مورد نظر بخواهید، دست خود را روی دست هم‌بازی (سالم) خود بگذارد و با او (در کشیدن تصویر) همراه شود.

## مرحله دوم:

لوازم مورد نیاز عبارت خواهند بود از: پارچه کتان سفید به طول ۱۵ و عرض ۱۰ متر، نورافکن قوی، ورقه‌های نازک مقوایی، قلم نشانه‌گذار، چاقوی تیز، قیچی، نخ ماهیگیری، نخ باغبانی، گیره کاغذ، میخ پرچ و باند (نوار زخم‌بندی).

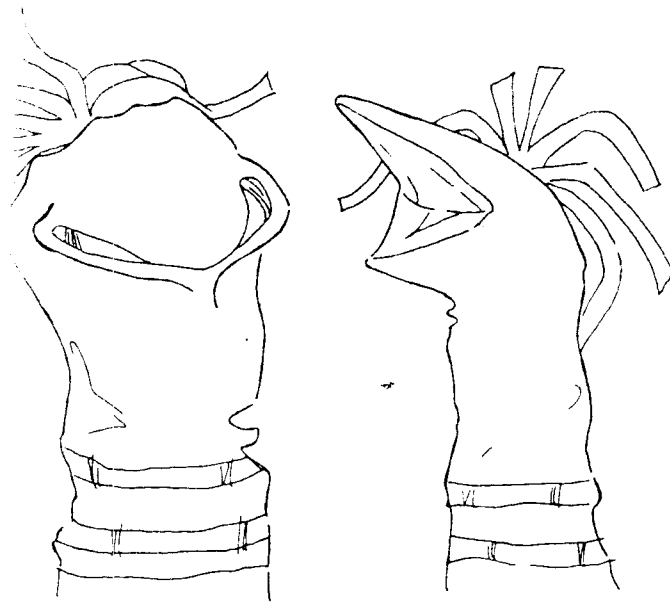
گروه را به دسته‌های کوچک‌تر تقسیم کنید. هر دسته می‌باید طرح‌های‌شان را بررسی کرده و از آن‌میان، یکی را که مورد توافق همهٔ افراد است برگزینند؛ فرصت دهید تا حالات و تأثراتی را که تصویر به ایشان تلقین می‌نماید، جست‌وجو، کشف و با استفاده از بدن خود به نمایش بگذارند. به تک‌تک افراد فرصت دهید، از طریق حرکت‌کردن مابین پرده کتان (که توسط دو فرد نگهداشته شده است) و نورافکن (که یک نفر آن را به‌دست گرفته است) با مفهوم نمایش سایه آشنا شوند. سپس، بر اساس آنچه از ساختن سایه‌ها با استفاده از بدن خود آموخته‌اند، اعضای هر دسته را به ساختن عروسکی سایه‌ای تشویق نمایید که قادر به انجام حرکات مشابه باشد. آن‌ها به‌زودی درخواهند یافت که مقوا، قلم نشانه‌گذار، نخ‌ها و... به چه کار می‌آیند و با ذوق و شوق، بردن تصویر و ساختن عروسک سایه را آغاز خواهند کرد. فرصت کافی برای این مرحله قایل شوید؛ چراکه درست در همین نقطه است که اندیشه Ensemble (گروه) عینیت می‌یابد و در عمل مورد آزمایش قرار می‌گیرد. اکنون، گروه در موقعیتی وانهاده شده است که می‌باید با یکدیگر کار کنند، نظرات‌شان را با هم درمیان بگذارند و قدم‌به‌قدم تا تولید محصول

نهایی با یکدیگر به توافق برسند. هم چنین می باید از طریق تقسیم وظایف و مسئولیت ها، بر اساس توانایی افراد، همکاری، تعامل و هم زیستی در شرایط عدم تبعیض را بیاموزند. برای پاسخ گویی به سؤالات و ارایه راهنمایی های تکنیکی در دسترس باشید. اما اجازه دهید افراد گروه خود پاسخ سؤالات شان را بیابند. سرانجام از هر گروه بخواهید امکانات حرکتی عروسک سایه ای خود را با توجه به طرح اولیه، به نمایش بگذارند.

### عروسک دستکشی - جورابی<sup>۱۳</sup>

لوازم ضروری برای ساخت این نوع عروسک عبارتند از: جوراب هایی که قسمت پنجه آن ها به منزله دهان عروسک، به طور افقی بریده شده باشد؛ اشکال بیضوی نمادپوش شده مقوایی (برای قسمت داخلی دهان)، نخ و سوزن، چسب تفنگی، خرده ریزه هایی برای ساختن اجزای صورت، الیاف تافته یا رشته هایی از کنف و دانه های تسبیح یا تکه برای موها و ....

عروسک های جورابی، انگیزه های صمیمانه و ساده ای برای برقراری ارتباط هستند. ساختن آن ها راحت و جاندارنمایی آن ها، جالب و فرح بخش است. اغلب عروسک های جورابی دارای دهان هستند که به کار حرف زدن می آید؛ اما این دهان، هم چنین برای ریودن، بلند کردن، نگه داشتن، پرتاب کردن، چنگ زدن، کندن، کاویدن، چیدن، دزدیدن و کشمکش مورد استفاده قرار می گیرند. این عروسک ها نشاط و شادابی جوانی را به گروه باز می گردانند و توجه را به کار بر روی دست ها معطوف و متمرکز می نمایند. عروسک های جورابی، هم چنین امکانات لذت بخشی برای پرورش بیان و درک ریتم فراهم می نمایند. از یک موسیقی آشنا و مورد علاقه عموم استفاده کنید. یک گروه عروسک گردان را پشت خیمه موقتی<sup>۱۴</sup> (پانل) جای دهید و به دیگران اجازه دهید به عنوان تماشاگر شاهد کار باشند. چگونگی لب زدن، شعرخوانی و رقصیدن عروسک ها به همراه



موسیقی را زیر نظر بگیرید. به هر یک از افراد گروه فرصت تماشا و شانس اجرا بدهید.

نحوه ایستادن عروسک گردان ها و حالت هایی که در رابطه با عروسک، مخصوصاً به هنگام تغییر دادن مسیر حرکت، به بدن خود می دهند، اهمیت به سزایی دارد. کار در پشت خیمه، به عروسک گردان ها فرصت می دهد تا حساسیت و هوشیاری لازم را نسبت به رابطه فضایی و مکانی بدن ها به دست آورند؛ به خصوص هنگامی که حضور عروسک گردان هایی در میان باشد که از صدای چرخدار استفاده می کنند. نحوه سازگاری با شرایط را از طریق فراگیری مشارکت مکانی و استفاده حداقل از فضا به آن ها بیاموزید.

### ماسک خشتی

اساساً، تکنیک ماسک خشتی، گرایشی است به رد و انکار هرگونه قرارداد، و رها کردن بازیگر با زمینه ای پاک و بی هویت تا بر اساس آن شخصیتی خلق کند. ماسک خشتی به خودی خود ناتمام بوده و آغازی برای یک فرایند است. در نگاه اول، کار با آن آسان می نماید، اما به مجرد این که ماسک خشتی، چهره را پنهان می کند،



کوچک‌ترین حرکت نامربوط و نسنجیده و هر عمل خواست‌گرایانه، به‌طور زنده‌ای به‌چشم می‌آید. در این‌جا، مقصود، انجام حرکات ماشین‌وار نیست، بلکه هدف حذف حواشی و اضافات از حرکت تا سرحدّ ضرورت محض حرکتی لازم برای انجام کار پیشنهادشده است. رسیدن به این هدف، نیازمند لحظه‌به‌لحظه اندیشیدن بازیگر درباره هر قدم و هر حرکت و مقصود نهفته در پس آن‌هاست. این لحظه‌به‌لحظه در زمان حال به آینده نظر داشتن، فرآیند اندیشه و تفکر هنرپیشه است و می‌باید که در راستای تحقق عمل و اجرای گروهی پرورش یابد.

هدایت‌کننده کارگاه، باید حداقل دو ماسک خشتی در دسترس داشته باشد. ساخت این ماسک‌ها بسیار ساده است. ماسک‌های خشتی چرمی دوخته‌شده ساخت ایتالیا، هزینه سنگینی تحمل می‌کنند. آنچه من به‌کار می‌برم تقلیدی از همین ماسک‌هاست. من نوعی ماسک «پایه‌ماشه»<sup>۱۵</sup> را بر روی قالب سه‌بعدی پولیستر آغشته به موم منجمد می‌سازم؛ سپس ماسک «پایه‌ماشه» به‌دست‌آمده را با نوارهای گچ (پاریسی)<sup>۱۶</sup> تقویت نموده و یک رشته کش (نوار قابل ارتجاع) را به دو سر ماسک گره می‌زنم.

نحله‌ها و مکاتب فکری چندی در رابطه با شیوه پوشیدن ماسک وجود دارد. برخی، مرحله‌ای از تعمق و مطالعه بر روی ماسک را، پیش از پوشیدن آن، به‌منظور شناخت هرچه عمیق‌تر لایه‌های شخصیتی ماسک، توصیه می‌کنند. گروهی دیگر کار با ماسک را بلافاصله پس از پوشیدن آن و بی‌هیچ مقدمه‌ای ترجیح می‌دهند و اجازه می‌دهند تا شخصیت ماسک، قدم‌به‌قدم، همراه بدن بازیگر که ریتم و درون‌مایه موضوع انتخاب‌شده را به خود می‌گیرد، آشکار شود. گروه دیگر بر روی کار با آینه (مقابل آینه)، از ابتدا و به‌محض پوشیدن ماسک اصرار می‌ورزند؛ در حالی که دیگران ممکن است سر روی راهنمایی‌ها و تفاسیر حسی کارگردان یا



هدایت‌کننده کار، تأکید داشته باشند. در هر حال، انتخاب هر یک از این روش‌ها به تشخیص و گزینش شخص مربوط بوده و مبتنی آن تجربه، آموزش و انطباق‌پذیری با گروه موردنظر است.

به‌محض پوشیدن ماسک، یک دگرگونی قابل رؤیت (از نظر تماشاگر) و زنده و ملموس (برای بازیگر) رخ می‌نماید. کسانی که با ماسک کار کرده‌اند، غالباً درباره قدرت و یا شخصیت ماسک صحبت کرده‌اند و این عجیب نیست، چراکه، عملاً در خلق آن‌ها، مقدار زیادی تخیل به‌کار رفته است. شاید پیش از این، بسیار بوده‌اند بازیگرانی که ماسک بر چهره زده و به نیروی خلاقیت خود، بر تاریخ و سابقه شخصیتی آن‌ها چیزهایی افزوده‌اند. ماسک، وسیله قدرتمندی برای برقراری و ایجاد ارتباط است و بنابراین لازم است در کاربرد آن دقت و مراقبت بیش‌تری اعمال شده و به آن احترام گذارده شود.

بدون‌شک، در گروه با افرادی مواجه خواهید شد که از ماسک واهمه دارند و مایل نیستند آن را بر چهره بزنند. هرگز در مورد کاربرد آن اصرار نکنید؛ برعکس بهتر آن است که این‌گونه افراد را به مشارکت فعال از

طریق تماشای تمرین‌ها و پس از پایان کار اظهارنظر کردن در باره آن‌ها تشویق نمایید. تماشای کسانی که اول‌بار دست به تجربه می‌زنند، می‌تواند، شهامت لازم برای دست‌یازیدن به تجربه با ماسک را به این‌گونه افراد بدهد. شاید تقسیم‌کردن گروه به دسته‌های دو نفره را مناسب‌تر تشخیص بدهید. در این حالت نیز، همان قواعد مربوط به ماسک خنثی به کار خواهد رفت. تنها، تفاوت آن، مزیت وجود دو بازیگر است. آن‌ها در عمل با روش و سازوکار برقراری ارتباط با یکدیگر آشنا می‌شوند و می‌آموزند که چگونه در جریان کار نسبت به یکدیگر هوشیار باشند.

به‌علاوه ممکن است افرادی هم در گروه یافت شوند که کنترل و کاربرد مقتصدانه (صرفه‌جویانه) حرکت برای ایشان مقدور نباشد. ماسک خنثی، صرف‌نظر از ناتوانی یا توانایی افراد، یک میدان مبارزه و یک چالش ذهنی و جسمی است. بخشی از روند هم‌زیستی (افراد با توان‌های مختلف) فراگیری ارزیابی افراد و سنجش حرکت و عمل آن‌ها بر اساس واقعیت وجودی آنان است. چرا افراد را از حق بیان، ابراز وجود و یا حق داشتن فرصت برای کسب آگاهی هرچه بیشتر در باره چگونگی کاربرد و بهره‌گیری خلاقانه از امکانات جسمانی (بدن) خودشان محروم کنیم.

اولین مرحله تمرین، به افراد فرصت می‌دهد تا زمینه خنثای وجود خود را از طریق بداهه‌پردازی در موقعیت داده‌شده، کشف کنند. بازگشت به تمرین‌ها و مرور دوباره آن‌ها، امکان می‌دهد تا افراد، در باره هرآنچه که آگاهانه یا ناخودآگاه، با بدن خود منتقل می‌نمودند، اطلاع پیدا کنند. این‌که چه می‌کردند و چه احساسی داشته‌اند، ممکن است برای خود آن‌ها روشن باشد؛ اما آیا به قدر کافی در انتقال آن به تماشاگر موفق بوده‌اند؟ مرحله دوم تمرین، افراد را قادر می‌سازد تا بر اساس زمینه خنثای به‌دست‌آمده در تمرین‌های اولیه، شروع به

ساختن کنند. در این مرحله، شخص می‌آموزد، از طریق واداشتن بدن خود به جست‌وجوی ریتم‌های مختلف و حرکاتی که تصاویر ذهنی خاص به وی القا می‌نمایند، منابع جسمانی و امکانات فیزیکی خود را کشف و در اختیار بگیرد.

تعداد شرکت‌کنندگان در هر نوبت تمرین، بدون‌شک باید محدود به تعداد ماسک‌هایی باشد که در دسترس قرار دارد. شرکت بیش از چهار نفر در هر نوبت، مشاهده عملکرد تک‌تک افراد را دشوار می‌کند. محیط تعیین‌شده برای بازی (صحنه) تنها باید توسط شرکت‌کنندگان در تمرین اشغال شود و بقیه افراد گروه، شاهد و ناظر تمرین‌ها از بیرون و یا اطراف (محل تماشاگر) باشند.

### تمرین‌های اول

از شرکت‌کنندگان بخواهید، در حالی که ماسک بر چهره زده‌اند، نشسته بر صندلی‌های چرخدار خود و یا درازکشیده بر روی صحنه، در وضعیت استراحت کامل قرار بگیرند. آن‌ها باید آرام و بی‌تعجیل، بسته به مقدار زمانی که نیاز دارند، مراحل زیر را تعقیب کنند:

۱- برخیزند. به روبه‌روی خود نگاه کنند، سپس به حالت استراحت بازگردند.

۲- برخیزند. به روبه‌روی خود نگاه کنند، شی (حقیقی یا خیالی) را در مقابل خود ببینند؛ آن را به دست گرفته و مورد استفاده قرار دهند، سپس به محل اولیه خود بازگردند. به مقابل خود نگاه کنند و سرانجام به حالت استراحت بازگردند.

۳- برخیزند. به مقابل خود نگاه کنند. اتوبوس از راه می‌رسد، آن را ببینند و در حالی که اتوبوس از ایستگاه دور می‌شود، هرچه سریع‌تر برای سوارشدن اقدام کنند. اتوبوس دور می‌شود. دورشدن آن را نظاره کنند. به محل اولیه خود بازگردند. به مقابل‌شان نگاه کنند و سپس به حالت

استراحت بازگردند.

قبل از شروع مرحله بعدی، فرصت انجام تمرین فوق را به همه افراد گروه بدهید. به محض پایان گرفتن هر نوبت تمرین از شرکت کنندگان در تمرین بخواهید، ماسک‌ها را از چهره بردارند و کسانی را که شاهد تمرین‌ها بوده‌اند به اظهار نظر درباره آنچه دیده‌اند، تشویق نمایید.

### تمرین دوم

به روش تمرین اول آغاز می‌شود. از شرکت کنندگان بخواهید درباره موضوعی فکر کنند. این موضوع می‌تواند هر چیزی قابل بازنمایی باشد که در ذهن‌شان خطور می‌کند: خورشید، ابر، گل، قطره باران، یک آجر، یک گردباد، آتش‌سوزی... وقتی همه افراد صاحب تصویر ذهنی شدند، به ایشان فرصت دهید درباره چگونگی احساس گل‌بودن یا خورشیدبودن بیان‌دهند. از آن‌ها بخواهید روح و جسم خود را از آن احساس (هرچه که هست) سرشار کنند. این مسئله انگیزه حرکت را فراهم می‌کند؛ و وقتی کار بررسی و کشف جزئیات حرکت آغاز شود، به‌طور طبیعی حرکات ایشان، ریتم معینی به خود می‌گیرد. به محض این‌که ریتم حرکت بی‌ریزی شد، از ایشان بخواهید، با حفظ ریتم، روی صحنه حرکت کنند. برای ازدست‌دادن ریتم، تنها یک علت می‌توان متصور شد و آن ازدست‌دادن تمرکز است؛ که در این صورت، فرد مورد نظر، باید برای بازیافت احساس اولیه، دوباره به حالت استراحت بازگردد.

گروه را از گرایش به کلیشه‌ها برحذر دارید. این‌که تا چه میزان به گل شباهت پیدا می‌کنند، اهمیت ندارد. آنچه مهم است درک چگونگی احساس گل‌بودن و انتقال آن به عنوان بازیگر به تماشاگر است. ضمناً در این مرحله از کار، باید وجود ماسک و «بازی» با ماسک را فراموش کنند. ماسک خشنی، شرایطی فراهم می‌کند تا

بازیگر کار بر روی چهره را فراموش کرده و بر استفاده از بدن جهت برقراری ارتباط متمرکز شود.

قدم بعدی، برگرفتن ماسک خشنی از چهره و فراهم کردن شرایط فوران ارگانیکی (زنده) کلمات از دهان شخصیتی است که از دل کار بیرون آمده است. این تمرین با استفاده از تصاویر ذهنی از حیوانات نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود. تمرین فوق را تکرار کنید؛ متها این بار از گروه بخواهید درباره حیوانات فکر کنند. تأکید را روی حیوانات زمینی آشنا بگذارید: پرندگان و خزندگان (ماهی‌ها و پستانداران دریایی مشکل‌آفرین خواهند شد؛ چرا که این قبیل حیوانات تنها درون آب قادر به ادامه حیات هستند).

هم‌زمان با شکل‌گیری «حرکت» در قالب حیوان انتخاب‌شده، افراد گروه طبیعت حیوان مورد نظر را به خود خواهند گرفت: بچه‌گربه، باکلاف نخ بازی می‌کند، سگ دست‌هایش را بالا می‌برد، موش خرما، دانه جمع‌آوری می‌کند و مار، در میان علف‌ها می‌خزد... آشنایی با حیوانات و توانایی تقلید و نزدیک شدن به واقعیت آن‌ها، برای اغلب افراد، کار برقراری ارتباط با دیگران (حیوانات) را بر روی صحنه تسهیل خواهد نمود. گروه را به یافتن دلایل منطقی ارتباط و تماس‌شان با سایرین (حیوانات) تشویق و هدایت کنید. به محض این‌که احساس کردید، یکی از گروه‌های دو یا سه نفره، موفق به برقراری ارتباط نمایشی (دراماتیک) میان خود شده‌اند؛ آن‌ها را به ادامه کار در حالت ایستاده تشویق کنید؛ سپس در لحظه‌ای (از کار) آن‌ها را، در هر موقعیتی که هستند، متوقف کنید<sup>۱۷</sup> و چند تن از تماشاگران را بر صحنه بفرستید تا ماسک‌ها را از چهره آن‌ها بردارند. آنچه در این مرحله حایز اهمیت خواهد بود، رها کردن تدریجی ذهنیت حیوانی و کاربست همان کیفیت‌های رفتاری و همان تحرکات (حیوانی) در خلق و نمایش یک شخصیت انسانی توسط بازیگر است. با شروع کار در شرایط جدید، بازیگران می‌باید در جهت بسط و

گسترش ارتباط تلاش کنند. مجموعه شرایط به دست آمده برای ارتباط، در پیوند با انرژی و حرکات حیوانی، زمینه لازم برای کاربرد کلام و برقراری دیالوگ (گفت‌وگو) را فراهم می‌نماید. با صداهایی شروع کنید که از دل حرکت و به مثابه جزء معنایی حرکت، رها می‌شوند و به همین دلیل ریشه در بدن دارند و سپس به تدریج به سمت کاربرد کلمات پیش بروید. دقت کنید، صحنه‌ای کاملاً فی‌البداهه در برابر چشمان شما شکل گیرد. سپس، می‌توان ماسک‌های کم‌مدی دل‌آرته را به منظور برجسته‌نمایی و اغراق بیشتر در کیفیات شخصیت بر آن افزود.

### آماده‌سازی برای اجرا (مرحله تکمیلی)<sup>۱۸</sup>

حالا کار متمرکزتر می‌شود. تا به این جا، سعی ما، پی‌ریزی مهارت برای دستیابی به یک هدف معین بوده است: آشنا کردن افراد با فن<sup>۱۹</sup> ماسک و عروسک‌گردانی و از طریق آن کمک به درک و کشف «هنر» (ماسک و عروسک‌گردانی) و نیز آموزش چگونگی سامان‌دهی و کاربرد مهارت‌های به دست آمده در تأمین نیازهای یک مجموعه انضمامی. مرحله بعدی سفر پژوهشی ما، همراه کردن افراد در سفری است که با تمرین‌های پیش از اجرا شروع می‌شود و به ساختن ماسک و عروسک، لباس و دکور و نهایتاً، اجرای صحنه‌ای منتهی می‌گردد. این مرحله (آماده‌سازی) نمی‌تواند و نباید نادیده گرفته شود. چرا که، زمینه رشد و بلوغ گروه - Ensemble - را به مثابه یک جامعه همبسته فراهم می‌نماید. پی‌ریزی اعتماد متقابل، در یک گروه ناهمگن<sup>۲۰</sup>، مستلزم از خودگذشتگی و ایثار متقابلی است که هم، زمان و هم، تجربه را دربر می‌گیرد. با شکل‌گیری اعتماد متقابل، خودبساوری و دگرباوری<sup>۲۱</sup> به وجود می‌آید. گذار از مرحله تمرین به اجرای نمایش، فرصتی است که می‌باید با دقت و برای یکایک افراد گروه فراهم گردد.

تمرین‌های پیش از اجرا - سازمان‌دهی و عرضه

یک کار نمایشی، با استفاده از ماسک و عروسک - نیازمند یک تأمل مقدماتی است. ماسک‌ها و عروسک‌ها، باید به مثابه اجزای لاینفک و عناصر اصلی «اجرا» تلقی شوند. اولاً، نیاستی با آن‌ها به عنوان وسایل «بازی» یا اشیای صحنه برخورد شود. ماسک‌ها و عروسک‌ها، شخصیت‌های نمایش هستند و در پاره‌ای موارد، حتی بازیگرانی هستند که در کنار نقش مقابل انسانی خود، «بازی» می‌کنند. ثانیاً، لازم است به شکل‌گیری رابطه میان عروسک و عروسک‌گردان و ماسک و بازیگر، فرصت کافی داده شود. هرگونه ناسازگاری و ناهم‌آهنگی در این زمینه، موجبات یک اجرای تصنعی را فراهم می‌نماید. تنها در صورتی می‌توان از بروز چنین مشکلی پیش‌گیری کرد که از همان آغاز، گروه، از کار با ماسک و عروسک (چه نوع مقوایی و چه انواع پیش‌ساخته آن‌ها) احساس راحتی کند. بازی با ماسک و عروسک، مستلزم تمرین و درجه معینی از حساسیت است. نمایش و عرضه آن‌ها به مثابه شیئی افزوده یا جزء فرعی کار، هم‌آهنگی اجرا را خدشه‌دار نموده و نشانگر نقصان درک و بی‌حرمتی به هنر است.

### تمرین‌های پیش از اجرا

پیشنهاد زیر، دو روش دستیابی به عناصر ساختاری<sup>۲۲</sup> یک اجرای گروهی را عرضه می‌دارد. من به چند دلیل پی‌ریزی اجرا بر اساس عناصر ساختاری را بر استفاده از یک متن معین ترجیح می‌دهم. وفادارماندن به یک متن معین و تثبیت آن (تعیین حرکات و اعمال بازیگران) در یک موقعیت انضمامی، ممکن است برای برخی از افراد، بیش از حد پیچیده و غیرقابل هضم باشد. آنچه نمایش داده می‌شود، باید به قدر کافی، برای جذب و پذیرش رفتار پیش‌بینی‌نشده آن دسته از افراد گروه که ناتوانی‌های ذهنی پیشرفته دارند انعطاف‌پذیر باقی بماند. اگر کلمات و پی‌آمدهای حرکتی آن‌ها، از وجود خود فرد ریشه گرفته باشد مسئله تعامل و کنش متقابل

به عنوان شخصیت‌های نمایش از طریق کاربرد کلمات و حرکات متناسب با نیت اشخاص بازی، در مجموعه کل عمل نمایشی، به موضوعی کم‌تر بیرونی و تحمیلی بدل خواهد شد. به علاوه، پی‌ریزی مصالح و عناصر ساختاری<sup>۲۳</sup> یک اجرا، نیازمند مشارکت فعال تمامی گروه در تمامی لحظات است. کاربست متن معین، ممکن است موجب فاصله گرفتن و جدایی برخی از افراد از مجموعه شده و به تمرکز صرف آن‌ها بر روی وظیفه معین شده خود بیانجامد؛ بنابراین، زمینه را چنان فراهم کنید تا هرگونه فکر و ذهنیتی برای اجرا، از خود گروه ریشه بگیرد.

### قصه‌گویی

در انجام این تمرین به عروسک‌ها و ماسک‌های پیش‌ساخته و یا نمونه‌های تقلیدی مقوایی آن‌ها، نیاز خواهید داشت. من در دورانی که با تئاتر عروسکی Das puppenspiel در اجرای نمایشی که آن‌ها بر اساس قصه «موش جهنده»<sup>۲۴</sup> تنظیم کرده بودند، همکاری می‌کردم، روش خاصی را برای قصه‌گویی ابداع نمودم و بعدها نیز همان روش را در جمع‌آوری مواد و مصالح لازم برای اجراهای خیابانی و خلاقیت‌های گروهی، به کرات به کار بستم. گروه را به دسته‌های فرعی سه یا چهار نفری تقسیم کنید. به هر دسته (گروه فرعی) چارچوبی برای پی‌ریزی داستان خود بدهید. این چارچوب (دستورالعمل)، از کاربست دلیخواه هر یک از متغیرهای تابلو زیر و تکمیل معادله، به دست می‌آید.

شده است: «قصه‌گویی»، که دلالت بر نقل ماجرا توسط یکی از اشخاص داستان می‌نماید؛ در حثی که دیگر اشخاص داستان، همان ماجرا را به نمایش می‌گذارند. روش برشتی، به تغییر موضع همه اشخاص نمایش از «شخص بازی» به «قصه‌گو» و بالعکس امکان می‌دهد؛ و سرانجام روش رئالیسم که در آن قصه‌گو وجود ندارد و اشخاص بازی، صرفاً داستان را به نمایش می‌گذارند. نمونه‌ای از کاربرد این روش (جمع‌آوری مواد و مصالح اجرا)، در خلق نمایشی خیابانی به کار گرفته شد که من کارگردانی آن را با گروهی متشکل از هنرپیشگان ناهمگن بر عهده داشتم. آن‌ها، معادله زیر را برگزیدند:

برشتی + ماسک + (صبح زود، موش از خانه خود با عجله به سمت یک سیرک دوید) + (او باید به دوست تازه‌اش، شیر، در فرار از شرایط غیرانسانی و رنجی که مسئول سیرک بر وی تحمیل کرده بود، کمک کند).

بر اساس این طرح، در یک تلاش مشترک، گروه توانست، ضمن افزودن چند شخصیت دیگر از سیرک، از طریق بداهه‌پردازی صداها، افکت‌ها و موسیقی و برپا کردن چادر سیرک با استفاده از بدن افراد، داستان را گسترش دهد. سعی گروه بر این بود که همه افراد در نمایش نقش داشته باشند؛ و اگر فرد یا افرادی مستقیماً نقشی در داستان نداشتند، یا جزیی از دکور و آرایش صحنه بودند و یا افکت‌های صوتی تولید می‌کردند. در این گروه خاص، فردی با نوعی از ناتوانی پیشرفته وجود داشت که اغلب طاقت از دست می‌داد و از تمرین کناره می‌گرفت؛ اما گروه سرانجام با عرضه کل ماجرا، به صورت تمرین، مشکل را برطرف کرد. به این ترتیب، گروه، عدم تمایل خود را به رها کردن کار اعلام می‌کرد و به اهمیت مسئولیت و تعهد فرد نسبت به جمع تأکید می‌گذارد. در طول مدت تمرین‌های پیش از اجرا، از تمرین‌های مربوط به ماسک خشنی و ماسک شخصیت

کشمکش	موقعیت	وسایل	شیوه یا قالب
چه کسی، چه چیزی، ماسک			قصه‌گو
موانع + کجا و چه وقت + یا / و			موانعی برشتی
چه وقت.		عروسک	رئالیسم

در این تابلو، تحت عنوان شیوه یا قالب، سه انتخاب ذکر

برای هم‌آهنگ کردن رفتار و جنب و جوش حیوانی با ماسک، استفاده شد.

### اجرا بر مبنای تیم با موضوع اصلی<sup>۲۵</sup>

این روش، از صورت‌بندی و دستورالعمل انعطاف‌پذیرتری پیروی می‌کند. آنچه به دست می‌آید بی‌شابهت به «کلاژ» نیست: مجموعه‌ای به هم‌بافته‌ای از صحنه‌های مستقل که وجه اشتراک همه آن‌ها، یک موضوع با یک تیم مشترک است. در یک چنین مجموعه‌ای، عامل وحدت و خط و اصل قطعات، نه ترتیب زمانی و وقایع یک داستان واحد، بلکه «تیم» مشترک است. به علاوه، اجزای «تیم»، با بهره‌گیری کامل از جنبه دیداری تئاتر، بی‌هیچ مقاومتی، زمینه‌ای را برای حضور مخلوط دلبخواهی از انواع هنرهای نمایشی هموار می‌کند.

من، با استفاده از تم‌های نمایش‌های سیار<sup>۲۶</sup> با گروهی متشکل از هنرپیشگانی با توانایی‌های متفاوت، در یک اجرای خیابانی همکاری کردم. تعداد افراد گروه (بیش از ۲۰ نفر) اجازه می‌داد تا به هر یک از افراد، مسئولیتی (در تولید و یا در اجرا) داده شود. آنچه در زیر ملاحظه می‌شود، جزئیات این تقسیم کار است:

#### بخش تولید

جست‌وجو کردن و ساختن:  
ماسک‌ها و عروسک‌ها، دکور،  
وسایل صحنه و لباس‌ها.  
آلات موسیقی  
قاشی و رنگ آمیزی:  
دورنماها  
ماسک‌ها  
عروسک‌ها  
کارگه، گرم

#### بخش اجرا

صحنه‌هایی از نمایش‌های عروسکی  
پانچ و جودی.  
شاه و منک کارتاوال.  
صحنه‌هایی از کمدی دل‌آرته.  
دلک‌ها.  
حرکات نمایشی جنسی  
حرکات موزون  
اجرای موسیقی گروهی

تحت چنین شرایطی، دریافتم که موفقیت فرآیند اجراء بستگی تام به توانایی کارگردان یا راهنما، در ایجاد ر خلق فضایی دارد که در آن امکان ظهور و بروز خلاقیت (فردی و گروهی) فراهم شده باشد. برای دستیابی به این هدف، راه‌های گوناگونی وجود دارد. از تأمین یک فضای پاکیزه و عاری از اغتشاش گرفته تا نوسازی منظم و حساب‌شده فعالیت‌ها به منظور حفظ تازگی و جذابیت کار. در طی این مرحله از فرآیند آماده‌سازی، از هیچ کوششی برای جلب اعتماد و باور افراد نسبت به توانایی‌ها و قابلیت‌های خود در ایفای نقش مؤثر در جهت تحقق اهداف طرح فروگذار نکنید. عضوی از یک جامعه بودن، احساسی است که ضمن افزایش انس و اُلفت میان اعضا، موجبات تشجیع و ترغیب افراد به مشارکت، ابراز عقیده، بازیابی، اصلاح عقایدشان به روشی خلاق را فراهم می‌نماید.

### ساختن عروسک و ماسک

پیش از دست‌بازیدن به کار ساختن ماسک و عروسک، می‌باید موارد چندی را مد نظر داشته باشید:

۱- به چه تعداد عروسک یا ماسک نیاز دارید؟ آیا امکان کاربرد ماسک به عوض عروسک یا بالعکس جهت ایفای نقشی معین، وجود دارد؟ به چه تعداد بازیگر و یا عروسک‌گردان احتیاج خواهید داشت؟ آیا ممکن است یک بازیگر بیش از یک نقش را بر عهده گیرد؟

۲- هر یک از ماسک‌ها و عروسک‌ها، چه شخصیتی دارند؟ کدام ویژگی شخصیتی آن‌هاست که می‌باید مورد تأکید قرار گیرد؟ این شخصیت‌ها چه احساسی را می‌باید در تماشاگر برانگیزانند؟

۳- نحوه کاربرد ماسک‌ها چگونه خواهد بود؟ آیا لازم است ماسک‌ها، تغییرشکل دهند و یا تنوع حسی بروز بدهند؟

۴- انجام چه اعمالی را از عروسک‌ها انتظار دارید؟

صحبت کنند؟ اشیاء را به دست گیرند و آن‌ها را به کار  
برند؟ پرواز کنند، شنا کنند یا غذا بخورند؟  
اجزای شان از هم جدا شود؟ از دهان شان آتش  
بیرون آید؟...

۵- نمایش در کجا اجرا خواهد شد؟ در فضای آزاد یا  
بسته (با نور یا بدون نور)؟ در یک صحنه ساده یا  
صحنه‌ای بزرگ با منظره‌ای باشکوه؟

۶- ماسک‌ها و عروسک‌ها، چه اندازه باید باشند؟ آیا  
مناسب ابعاد پرده خیمه (پانل) ۲۷ هستند؟ آیا با  
ابعاد دکور مطابقت دارند؟

۷- دوام و طول عمر مورد نظر برای ماسک‌ها و  
عروسک‌ها کدام است؟ آیا تنها برای یک بار، دو بار،  
یا هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها مورد استفاده قرار  
خواهند گرفت؟ آیا از محلی به محل دیگر، مرتباً،  
نقل مکان خواهند کرد؟

۸- بودجه شما برای خرید مواد اولیه آن‌ها چقدر است؟  
آیا روش ارزان‌تری برای رسیدن به نتیجه مورد نظر  
وجود ندارد؟ آیا در میان وسایل و اشیای خانگی  
چیزهایی می‌توان یافت که با خلاقیت بیش‌تری  
به کار گرفته شوند؟

## ماسک

مواد پیشنهادی: مقوا، قلم نشانه‌گذار، چاقوی تیز،  
قیچی، تکه‌های پارچه، بریده‌های روزنامه، چسب  
موکت، چسب مخصوص درزگیری و اتصال<sup>۲۸</sup>،  
بادکنک‌هایی به قطر ۳۰ سانتی‌متر، قطعات اسفنج،  
اشکال مختلفی از جنس پلی‌استر<sup>۲۹</sup>، پارچه نخی نازک  
مشبک (لملم)<sup>۳۰</sup>، رشته‌های بریده‌شده از کاغذ پاکت،  
رشته‌های بریده‌شده‌ای از کاغذ طراحی<sup>۳۱</sup>، باندهای گچی<sup>۳۲</sup>،  
وازلین، رنگ اکرولیک یا رنگ فوری، قلم موی نقاشی در  
اندازه‌های مختلف، نوار یا کیش ظریف.

نقاب<sup>۳۳</sup> و نیم‌ماسک<sup>۳۴</sup>

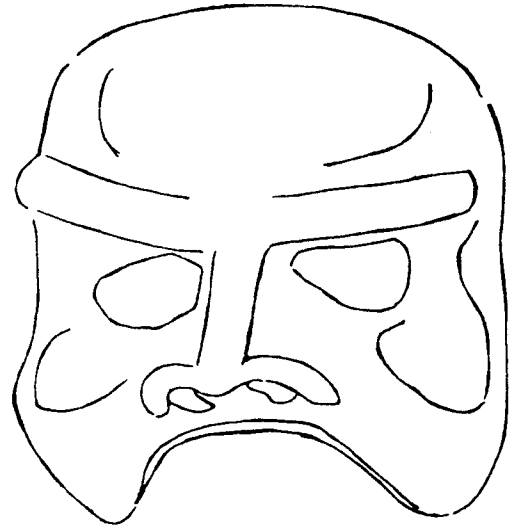
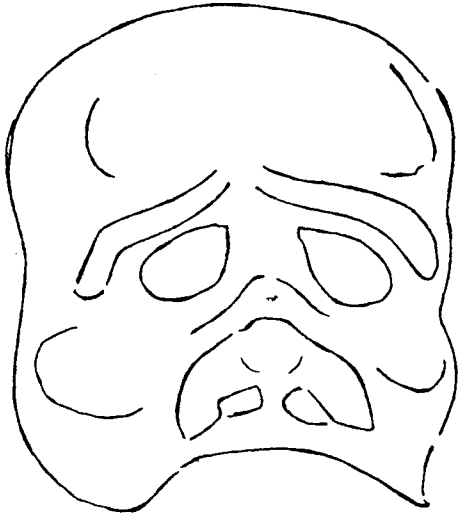
این نوع ماسک، اول‌بار، در حلقه‌های رقصندگان

نمایش‌های سیار (کارناوالی) به کار گرفته شد. طرح اولیه  
ماسک را به وسیله قلم نشانه‌گذار، بر روی ورقه سازک  
مقوایی ترسیم کنید. با قیچی یا چاقوی تیز، سوراخ  
چشم‌ها و ریزه‌کاری‌های کشیده‌شده دیگر را ببرید.  
دو سر ماسک را سوراخ کرده، یک رشته کیش به آن گره  
بزنید. پشت و روی ماسک را چسب بزنید و با یک قطعه  
پارچه هر دو سطح آن را بپوشانید و بریده‌های روزنامه  
نیز بر آن بیافزایید.

برای این‌که ماسک، هرچه بیش‌تر سه‌بعدی جلوه  
کند، قطعات بریده‌شده‌ای از اسفنج، به شکل آبرو،  
گونه‌ها و بینی در محل‌های مناسب به کمک چسب  
مخصوص اتصال بچسبانید. دو سر نوار یا کیش  
گره خورده به دو انتهای ماسک را پس از اندازه‌گیری و  
حصول اطمینان از مناسب بودن اندازه آن، توسط چسب  
اتصال، به سطح داخلی ماسک بچسبانید. بگذارید  
خشک شود. سپس پشت و روی ماسک را با لملم  
(پارچه نخی نازک متفردار) بپوشانید. مخلوطی از  
چسب موکت و آب را به کمک قلم موی آن بکشید.  
در تمام مراحل مراقب باشید، شکل و قالب اولیه به هم  
نخورد. قبل از رنگ‌آمیزی با رنگ اکرولیک یا رنگ  
فوری، بگذارید تا خوب خشک شود.

## ماسک کامل - ماسک شخصیت<sup>۳۵</sup>

در این مورد، توصیه می‌کنم، ماسک با استفاده از قالب  
تهیه شود. ماسک‌های پلاستیکی پیش‌ساخته. قالب‌های  
مناسبی هستند، (و قابل دسترس در فروشگاه‌های لوازم  
تئاتری)؛ اما ساده‌ترین راه، استفاده از بادکنک باد کرده  
است. بادکنک را به اندازه دلخواه (سرباز بزرگ) باد کنید.  
سربادکنک را گره بزنید. به وسیله قلم نشانه‌گذار، محل  
چشم‌ها، بینی و دهان و محدوده (صورت) ماسک را  
مشخص کنید؛ محل تعیین شده را با وازلین، چرب کنید؛  
چند لایه از رشته‌های باریک کاغذ (پاکت) را که قبلاً در  
مخلوطی از آب و چسب موکت خیس خورده‌اند، داخل



گیره بزنید.

استفاده از صورت بازیگر به عنوان قالب، سرعت کار را افزایش می‌دهد. این روش تقریباً یک ساعت طول می‌کشد. در طی این مدت، بازیگر می‌باید به صورت نشسته یا درازکش، بی‌آنکه حرکتی به عضلات صورتش بدهد، کاملاً ساکن و بی‌حرکت باقی بماند. ممکن است برخی از افراد، مایل به قرارگرفتن در چنین شرایطی که به نظرشان ترسناک یا خطرآفرین جلوه می‌کند، نباشند. در هر صورت، علاقه‌مندان می‌توانند ماسک خود را، پس از ساخت، به عنوان قالب در اختیار این‌گونه افراد قرار دهند. فرد موردنظر می‌باید در شرایطی کاملاً راحت بنشیند و یا دراز بکشد. از او بخواهید موی سر خود را به طرف بالا و دور از صورت ببندد و هرگونه شیئی زینتی را از خود دور کند؛ از بلوز کهنه یا حوله خیس برای پوشاندن شانه‌ها و گردن استفاده کند. با لایه نازکی از وازلین صورت وی را چرب کنید. سپس لایه‌ای از نوار خیس‌شده گچی، روی تمام صورت بکشید. چشم‌ها و سوراخ‌های بینی و دهان نباید پوشانده شود. در صورت لزوم، می‌توان این منافذ را با دومین لایه نوار گچی، پس از برگرفتن ماسک از چهره مشخص پوشاند. پیش از

محدوده مشخص شده (ماسک) بچسبانید. فراموش نکنید سوراخ چشم‌ها، بینی و دهان را خالی بگذارید. پیش از افزودن هر لایه، بگذارید، لایه قبلی خوب خشک شود.

در صورت تمایل، در فاصله خشک‌شدن لایه‌ها، می‌توانید به ساختن اجزای صورت مشغول شوید. این کار را می‌توان با تراشیدن و چسباندن قطعات پیش‌ساخته پولیستر هم انجام داد. قطعات را در محل‌های مناسب به کمک چسب موکت نصب کنید. با چسباندن لایه‌هایی از باندهای گچی خیس‌شده بر روی قطعات و کشیدن باندها به سرتاسر ماسک محل استقرار آن‌ها را محکم کنید. برای این‌که در انتخاب و احیانا تغییر و جایگزینی رنگ دست شما باز باشد، روی ماسک را با چند لایه از رشته‌های بریده‌شده کاغذ طراحی (رنگین یا بی‌رنگ) که پیش‌تر در محلول چسب و آب خیس خورده‌اند، بپوشانید. پس از خشک‌شدن، ماسک را به آرامی از روی بادکنک جدا کنید. احتمالاً ترکاندن بادکنک را ترجیح خواهید داد. حالا با رنگ اکلولیک یا رنگ فوری، تمام سطح ماسک را رنگ‌آمیزی کنید. کش یا نوار را به دو سر ماسک (مطابق روش قبل)



برداشتن ماسک، بگذارید تا خوب خشک شود. به نظر من این روش سرگرم‌کننده و آرامش‌بخش است؛ به‌ویژه اگر تمام گروه، هم‌زمان، درگیر کار باشند و موسیقی ملایمی در پس‌زمینه پخش شود. بعداً می‌توانید در صورت تمایل لایه‌های بیش‌تری به آن اضافه کنید؛ اجزای صورت را به آن بیفزایید، رنگ بزنید و یا به همان شکل ساده مورد استفاده قرار دهید.

## عروسک

مواد پیشنهادی:

برای سر: توپ‌های اسفنجی (به قطر ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر).  
 جمبه‌های بزرگ مقوایی، ورق‌های اسفنج (به قطر ۲/۵ سانتی‌متر).  
 لوله‌های مقوایی (بزرگ و کوچک) کاغذ توال و رول‌های دستمال کاغذی.  
 اشکال گوناگونی از اسفنج، چسب موکت، سنجاق ته‌گرد. بریده‌های کاغذ پاکت. کاغذ طراحی الوان. ملامل

(تنظیف) الیاف مصنوعی یا نخ کوک. قطعات پارچه‌های زریفت. رنگ اکریلیک یا رنگ فوری. قلم‌موی نقاشی در اندازه‌های مختلف.

برای دست و پا: پارچه با ضخامت‌های مختلف (ضخیم تا متوسط) الوان با به رنگ‌های متضاد. پارچه نخی (چیت). خورده‌های اسفنج برای پُرکردن بدن عروسک. آویزهای میله‌ای لباس. سیم‌چین. میلگرد چوبی، پین و میخ چوبی. ۳۶

## عروسک دستکشی

این نوع عروسک در صحنه‌های نمایش پانچ وجودی ۳۷ در اجرای تئاترهای خیابانی سیار، که پیش‌تر ذکر آن رفت، به کار گرفته شد. سر و گردن عروسک از توپ اسفنجی و لوله‌های مقوایی (لوله کاغذ توال) ساخته شده بود. یک سر لوله را به چسب موکت آغشته کنید؛ سپس داخل توپ اسفنجی فروبرید. از این‌جا به بعد،



پارچه‌های زربفت و تزیینات مختلف استفاده کنید (بجسبانید، سنجاق کنید یا کوک بزنید).

### عروسک میله‌ای

در ساخت این نوع عروسک‌ها، همان مراحل ساخت عروسک دستکشی، با تغییراتی اندک به کار گرفته می‌شود. اساساً، حرکت این نوع عروسک‌ها نه با دست و انگشتان که با میله انجام می‌گیرد. بنابراین لازم است در تعبیه سر و گردن و تنه عروسک تغییراتی داده شود. یک میلگرد باریک یا میلهٔ آویز لباس را آغشته به چسب کرده به پشت گردن عروسک فرو کنید. انتهای میله را (به صورت قلاب) خم کنید (و یا یک تکه چوب یا یک قطعه میلگرد را به عنوان دستگیره به آن ببندید). این تغییرات، به عروسک‌گردان، امکان می‌دهد تا عروسک را در مقابل خود یا روی زمین به حرکت درآورد. در صورتی که بخواهید عروسک را پشت خیمه (پانل) و بالای سر خود حرکت دهید، از لولهٔ مقوایی بزرگ‌تر (لولهٔ رول‌های دستمال کاغذی) به جای لولهٔ مقوایی کوچک (لولهٔ دستمال توالت) برای گردن عروسک استفاده کنید. لوله بزرگ‌تر، حالا خود به میله‌ای برای حرکت دادن سر عروسک بدل می‌شود.

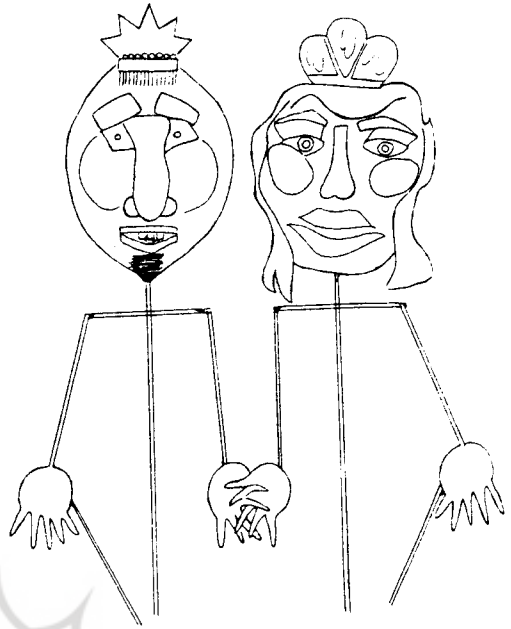
تنهٔ یک عروسک میله‌ای در قیاس با عروسک دستکشی، جزئیات بیشتری دارد. بنابراین، به الگوی فوق برای افزودن دست، پا، ران و بازو تغییراتی بدهید. هنگام بریدن الگو، ران‌ها، ساق‌ها، بازوها و ساعدها را پهن‌تر و درازتر بگیرید. بدن را از پارچه «موسلین» تهیه کنید. درزها را دوخته یا چسب بزنید. حفره گردن را باز بگذارید. پارچه را پشت و رو کرده و داخل تنه عروسک را با مواد سبک (اسفنج یا مواد مشابه) پر کنید. توصیه می‌کنم، ضمن پرکردن بدن عروسک، به تدریج، میج‌ها، آرنج‌ها، شانه‌ها، مفصل ران‌ها، زانوها و قوزک پاها را با نخ بدوزید تا فشرده شوند. حالا بدن را به گردن عروسک بجسبانید. در صورتی که برای گردن عروسک

همان مراحل ساخت ماسک را دنبال کنید. قطعات و اجزای چهره (ساخته‌شده از اسفنج) را بجسبانید. شاید بهتر باشد پیش از این کار، محل آن‌ها را بر روی توپ اسفنجی، نشانه‌گذاری کنید. حالا تکنیک پایه‌ماشه را که پیش‌تر شرح داده شد، به کار ببندید. به دلیل کوچک بودن سر عروسک‌ها، مجبور خواهید بود برای افزودن لایه‌های کاغذ (پاکت) یا رشته‌های کاغذ طراحی به دور کردن و سر عروسک، کاغذها را در اندازه‌های کوچک‌تر بپُرید. بعد از چسباندن هر لایه و پیش از افزودن لایهٔ بعدی بگذارید خوب خشک شود. پس از خشک شدن آخرین لایه، سر و گردن و چهره عروسک را رنگ‌آمیزی کنید. می‌توانید از پارچه‌های زربفت برای تزیین چشم‌ها، دهان، بینی و گوش (به‌ویژه اگر عروسک دستکشی حیوان باشد) استفاده کنید. برای موی عروسک، از الیاف مصنوعی یا رشته‌های نخ تاپیده و چسباندن آن‌ها بر روی سر عروسک استفاده کنید.

در حالی که یک یا چند تن از افراد گروه سرگرم ساختن سرها هستند، دیگران می‌توانند بدن عروسک‌ها را آماده کنند. ساختن بدن یک عروسک دستکشی، در صورتی که به چرخ خیاطی یا چسب تفنگی<sup>۳۸</sup> دسترسی داشته باشید بسیار سریع انجام می‌گیرد. الگوی ساده‌ای (لباس راحتی)<sup>۳۹</sup> را بر روی پارچه تاشده‌ای ترسیم یا سنجاق کنید (شانه‌ها روی تاش پارچه باشد). دقت کنید، طول لباس دست عروسک‌گردان و بخش اعظم ساعد وی را ببوشاند. دو پهلوی الگو را، از زیر آستین تا انتهای دامن کوک بزنید یا بجسبانید. دو دست عروسک را (شبهه به انگشتی دستکش) به همان ترتیب از پارچه ابریشمی لطیف و براق (موسلین) بپُرید و درزها را بجسبانید یا بدوزید. دهانه باز دست‌ها (انگشتی‌ها) را به حفره آستین لباس (درزهای روی هم) کوک بزنید یا بجسبانید. حالا کل کار را پشت و رو کنید. گلوگاه لباس را به لولهٔ گردن عروسک بجسبانید. برای یقه، کلاه، جلیقه، پیش‌بند و جواهرات، و غیره از

رنگ از پایه‌ماشه رنگین استفاده شد. برای ساختن موی سر و ریش، الیاف نخی و برای ساختن تاج، خُرده‌های پارچه‌های زربفت و اشیای زینتی به کار رفت.

تنه عروسک‌های شاه و ملکه، اساساً از یک چلیپا ساخته شده بود؛ مرکب از یک میلگرد به طول ۵ و قطر ۳ سانتی‌متر (برای شانه‌ها) با سوراخی در وسط و میلگرد دیگری به قطر ۲/۵ سانتی‌متر (برای تنه) که از سوراخ میلگرد شانه‌ها عبور داده شده بود. برای نگه‌داشتن سر، بر روی میلگرد میانی، یک لوله مقوایی (از زیر) داخل سر عروسک کار گذاشته شده بود؛ به‌علاوه، دو دست پارچه‌ای پُر شده نیز به دو انتهای پارچه سنگین و بلندی که از دو سر شانه‌ها به‌عنوان شتل و ردای سلطنتی آویخته می‌شد، وصل شده بود. برای حرکت دادن دست‌ها نیز دو میلگرد دیگر به آن‌ها فروبرده شده بود.



لازمه انطباق «مرحله آماده‌سازی» با توانایی‌های یک گروه انضمامی، شرکت‌دادن همه افراد گروه در کار ساختن ماسک‌ها و عروسک‌هاست؛ و نیل به این مقصود نیز خود، مستلزم ایجاد یک احساس قوی گروهی است. این نظام حمایتی و تقویتی، باید به‌گونه‌ای مطلوب، پاسخ‌گوی نیازهای یک‌ایک افراد گروه باشد. این امر ممکن است، برای بعضی از افراد، صرفاً، نیاز به یک احساس موفقیت باشد؛ در مورد برخی دیگر، دانستن این‌که، برای به‌دست‌آوردن چیزی به یکدیگر کمک کرده‌اند و برای دیگران، در حد حرکت‌دادن یک عروسک میله‌ای به کمک سه نفر (به‌جای یک نفر) و یا ساختن ماسک و دایماً سؤال‌کردن و راهنمایی‌خواستن باشد.

پیش‌گیری از اتلاف وقت و ملاحظات امنیتی و حفاظتی، ایجاب می‌کند، برخی از مواد و لوازم مورد نیاز از قبیل تهیه گروه در مورد بعضی افراد، کار چسباندن، وصل‌کردن و مرتب‌نمودن قطعات تمام‌شده، ممکن است بهترین زمینه و سهل‌الوصول‌ترین مقدمه

از لوله مقوایی بزرگ استفاده می‌کنید، پشت عروسک را از پایین تا میانه تنه آن بشکافید و لوله مقوایی را از آن عبور دهید. از لباس‌های مصرف‌شده و کهنه کودکان برای عروسک‌های تان لباس تهیه کنید. در صورت تمایل، به‌خصوص، اگر قرار باشد عروسک را بالای سرتان حرکت دهید، می‌توانید دو میله دیگر به میچ‌ها و آرنج‌ها اضافه کنید.

### عروسک میله‌ای (بزرگ‌تر از حد طبیعی)

از این نوع عروسک برای «شاه و ملکه» در نمایش کارناوالی مذکور استفاده شد. سر این عروسک‌ها از بریدن و چسباندن کناره‌های جعبه‌های مقوایی بزرگ تهیه شد. یک لایه اسفنج نازک به کمک چسب بر سطوح جلویی و پشتی جعبه افزوده شد و اجزای صورت، از بریده‌های اسفنج (ابر) ساخته و نصب گردید. سپس، تمام سر، با یک لایه پارچه ململ (تنظیف) پوشیده شده و بر روی آن مخلوط چسب موکت و آب به‌وسیله قلم کشیده شد. در رنگ‌آمیزی چهره، به‌جای

برای ورود به مراحل ساخت ماسک و عروسک باشد.

## اجرا

این که گروه برای چه کسی و به چه دلیل نمایش خواهد داد، سؤالی است که یکبار دیگر مسئله برقراری ارتباط را مطرح می‌نماید. عنصر تماشاگر (خصوصی یا عمومی) عنصر افزوده‌ای است که موجب می‌شود، گروه از «مرحله آماده‌سازی» یک قدم فاصله بگیرد. مثل این است که گفته شود: حالا دیگر زمان آن فرارسیده است که داستان با شخص تازه‌ای در میان گذاشته شود. تأکید و تمرکز گروه بر «مرحله آماده‌سازی» و نه تولید، افق روشن‌تری برای کار ترسیم می‌کند. مرحله آماده‌سازی ما را مجدداً به مفهوم Ensemble (گروه) و مشارکت در تولید بازمی‌گرداند. اجرای گروهی توسط جمعی از هنرپیشگان با توانایی‌های مختلف، یک عمل متعادل‌سازی است؛ عملی که سعی در ایجاد تعادل و از میان برداشتن فاصله‌ها از طریق انکار و رد هرگونه اختلاف و تفاوت‌گذاری در استعداد و توانایی افراد دارد. در اجرای تئاتر سیار خیابانی مذکور، عروسک «جودی» توسط یک خانم نابینا حرکت داده می‌شد. روش او در سازگار کردن خود با شرایط، علامت‌گذاری در سرتاسر سطح داخلی پرده، یا خیمه بود. علاماتی که وی می‌توانست با دست چپ خود، در حالی که با دست راستش عروسک را حرکت می‌داد، لمس کند، به این ترتیب او می‌دانست دقیقاً از کجا وارد و از کجا خارج شود. بازی‌دهنده عروسک «پانچ» از طریق تماس فیزیکی دائمی با او و عروسکش، عمل بازی‌دهندگی عروسک جودی را برای وی تسهیل می‌نمود.

به این ترتیب علت اصرار ما در به کارگیری ماسک و عروسک در یک گروه انضمامی آشکار می‌گردد. برخی از افراد، تأکید بیش‌تر بر شخصیت ماسک‌ها و عروسک‌ها را لازم می‌دانند. ماسک، نمایش عروسکی و تئاتر در کنار هم، به کمک کلام و جلوه‌های بصری پلی

می‌سازند که هرگونه شکاف ارتباطی میان نمایشگر و تماشاگر را برطرف می‌سازد.

تأثیر مثبت چنین اجرایی، همه کسانی را که به نوعی با آن در ارتباط هستند شامل می‌شود. ثمره این تجربه از یک طرف احساس غرور و صف‌ناپذیر و سربلندی عظیم برای اجراکننده است و از سوی دیگر رشد آگاهی عمومی را تضمین می‌کند. کارکردن با دیگران و برای دیگران، ممکن است به تدریج لکه تنگی را که به‌طور کلی از سوی اجتماع بر ناتوانی جسمی تحمیل شده است، به نفع جامعه‌ای سالم‌تر و پویاتر بزداید.

## پی‌نوشت‌ها:

منظور از گروه یا مجموعه انضمامی، جمعیتی متشکل از افراد با توانایی‌های مختلف فیزیکی، ذهنی و... است.

نویسنده واژه integration را در این مورد به‌کار برده است. مقصود نویسنده فراهم‌نمودن شرایط برای مشارکت فعال افراد معلول در جامعه و رفع هرگونه تبعیض بوده است. کاربرد واژه انضمامی از سوی مترجم با هدف انتقال هر دو مضمون فوق صورت گرفته است: تشکیل گروهی متشکل از افراد با توان‌های مختلف با ناتوانی‌های جسمی، ذهنی و غیره به‌منظور آماده‌سازی آن‌ها برای مشارکت در جامعه بزرگ‌تر.

عنوان: Creating Community Ensemble performance using masks, puppets and Theatre.

- |   |                               |
|---|-------------------------------|
| 1. Ensemble performance                 | 2. Wende Welch                |
| 3. integration                          | 4. Ensemble Theatre           |
| 5. Sense of Ensemble                    | 6. "Warm up"                  |
| 7. Sense of Ensemble                    | 8. Water babies               |
| 9. Freeze                               |                               |
| 10. Water baby                          | 11. Relax                     |
| 12. Blind drawing                       |                               |
| 13. Sock puppet                         | 14. Story board               |
| 15. Papier Mâché                        |                               |
| 16. Plaster of paris gauze              | 17. hold                      |
| 18. The process                         |                               |
| 19. Craft                               | 20. Integrated group          |
| 21. Confidence in oneself and in others |                               |
| 22. Building Material                   | 23. Building Material         |
| 24. Jumping Mouse                       | 25. Theme - based performance |
| 26. Carnival                            | 27. Story board               |
| 28. Contact Cement                      |                               |
| 29. Various Styrofoam Shapes            | 30. Cheesecloth               |
| 31. Construction paper                  | 32. poris strips              |
| 33. Masquerade                          | 34. half - Masks              |
| 35. Character, full Masks               | 36. Wood Dowelling            |
| 37. Punch and Judy                      | 38. glue gun                  |
| 39. Smock - like                        |                               |